

ضربیت

یاسر، ۲۸ ساله ، قد متوسط، لاغراندام
موهای لخت، پوست سبزه، چشم های
ریز، ریش و سبیل هم نمی گذارد!

خنده های عصبی می کند.
مادرزادی پاهایش ۶ انگشت دارد.
موقع صحبت کردن تن صداش
پایین میاد

درون مایه
خانواده ،
بهترین
معلم نماز

اجتماعی

اهل سمنان، دانشجوی ترم ۱۰ کارشناسی! رشته مدیریت،
تهران. خوابگاهی، بچه ی اول، دوتا خواهر دارد. خانواده
مذهبی سنتی، پدرش کارمند مخابرات، خودش در یک
داروخانه نزدیک دانشگاه کار می کند.

از رابطه با جنس مخالف بدش نمیاد اما
هیچ وقت موفق نشده خوب عمل کنه
در ایجاد آن.
(تجربیات ناموفق)

از داروخانه هر از گاهی
چسب زخم کش میره!
علاقه داره خب!

درون گرا، شخصیت تماشاچی و سیب زمینی
در بسیاری از کارها اعتماد به نفس پایینی دارد، عقاید
مذهبی محکمی ندارد، همیشه از سیاست و عمق دین
دوری کرده، فکر می کنه در آینده معجزه ای اتفاق می
افته و همه چیز رو به راه میشه اما تلاش خاصی نمی
کنه. علاقمند به فیلم هندی و چت کردن

با یک شخصیت قهرمان در درونش
همیشه کلنجار میره، تخیل میکنه و اون
رو می بینه که بهترین عکس العمل ها
رو نشون میده به جای خودش. دیگه
کم کم به پوچی رسیده و زیر لب با
خودش و قهرمان درونیش
حرف میزنه

رابطه ی یاسر با نماز:

از نوجوانی گاهلی می کرده، هیچ وقت نفهمیده برای چی باید به نماز اهمیت بده و هرچی خونده از ترس پدر و مادر بوده، گاهی فقط اداشو در میاورده. توی جوونی هروقت عذاب وجدان می گرفت سراغ نماز می رفت. اون هم با کسالت. الان دیگه خیلی وقته که یادش نمیاد آخرین بار کی نماز خونده...